

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز: سوالات زیادی دارم که با توجه به متفاوت بودن مباحث آن ها را در سوال های جدا از هم طرح می‌کنم پیشاپیش از اینکه وقتتون را می‌گیرم عذر خواهی می‌کنم من جوانی هستم که چند سالی است دانشکاهم تمام شده. در دانشکاه شرایط عرفانی و روحی خوبی داشتم. حالا دیکه از اون دوستان و کتب و مکان های معنوی و فضا های معنوی خبری نیست کم کم دچار روزمرگی، کار، ارتباط نالازم و کاهای تلفنی ناسالم با نامحرم، دوری از مسجد و... شدم من همیشه دوست دارم در محضر خدا باشم و هیچ وقتتت از آنکه فلان گناه را می‌کنم خوشحال نبودم و نیستم ولی تقریباً در همه ی ازمون های خدا شکست خوردم خیلی دوست دارم عاشق خدا باشم خیلی دوست دارم همیشه خودم را در محضر خدا ببینم ولی کشش فضاهای گذشته اینقدر زیاد هست که نمیتونم و اصلاً نمیتونم صبر بر طاعت کنم به شدت احساس تنهایی که می‌کنم میرم سراغ گناه و نامحرم و پیام و... از طرفی به شدت دوست دارم در محضر خدا باشم نمیتونم و نمیدونم چه کنم راه های زیادی را هم امتحان کردم ذکر، کتاب، دوری از فضای مجازی و.. ولی نشد که نشد این عشق به خدا چطور باید برگرده!؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! اگر فرموده اند: «مهر خوبان در میان جان نشان / جان مده الا به مهر دل خوشان» از آن جهت است که باید افق جان ما شخصیت انسان‌های کامل باشد و با آن‌ها به‌سربردن از طریق انس با شخصیت علمی و عملی آن‌ها؛ جهان ما همانی می‌شود که آن عزیزان در آن جهان حاضرند. در این رابطه ارتباط با دوستان معنوی و حضور در جلسات معرفتی، ما را هرچه بیشتر به خودمان برمی‌گرداند تا در جهانی که شهید حاج قاسم سلیمانی‌ها در آن قرار گرفته‌اند، قرار گیریم و در فهم رهبر معظم انقلاب توفیق یابیم. موفق باشید